

## آزادی بیان در بند جلادان

حافظ « دلها » گفته بود:

گرمسلمانی از این است که حافظ دارد

وای اگر از پس امروز بود فردایی

بگمان حافظ شیرین سخن ،دیگر به فردای قیامت احتیاجی نیست . و همین امروز ملت بیگناهی به « جزای اعمال » ناکرده ای شان میرسند ! این کار در کشور داغدیده ما بدست عده ای از جلادان سیه دل و امپراطوران جهل و تاریکی انجام می پذیرد . در جریان هفته ای گذشته محاکمه ای ! در زادگاه خداوندگار بلخ ، پرویز کامبخش را محکوم به مرگ نمود . این محاکمه بدون ابتدایی ترین حق انسانی به گونه طالبی / جهادی انجام پذیرفت ، هنوز طرفداران حقوق بشر در شوك این عمل شرم آور بودند که گزارشی در رابطه با بدار آویختن سه شهروند برمایی به اتهام دزدی در عربستان سعودی نشر گردید ! مگر ما در چه عصری قرار داریم ! آیا ما در سده بیست و یکم ، در سده ای آزادی هایی انسانی از بندهای گونه گون بسر نمیبریم؟

آن یکی به حکم ملا قاضی طالبی به جرم اندیشیدن به مرگ محکوم میشود و آن دیگری را مولوی وهابی به جرم سیر نمودن شکم خود و فرزندانش حکم بدار آویختنش را صادر میکند .! کجا هستید شما مداحان دموکراسی و حقوق بشر ! و کجا هستید شما دولتمداران و بازی کنان تیأتر دموکراسی و آزادی ارگ نشینان کابل ، مگر شما نبودید که در همین گذشته های نه چندان دور در قانون اساسی تان از حقوق بشر و آزادی های انسان ، آزادی بیان ، و حق زنده گی نوشتید ! و در پای آن انگشت شهادت ! گذاشتید ! هنوز رنگ نشان انگشت مبارك ! شما نه خشکیده بود ، که خود بار بار آنرا زیر چکمه های ناپاک تان نمودید . مگر شما نبودید که در ماده ای بیست و سوم قانون اساسی تان از موهبت الهی مبنی بر حق زنده گی انسان و حق طبعی آن نوشتید ! ، ولی هیچگاهی از خود پرسیده اید که آیا مجوز است تا انسانی را از موهبت الهی ، با قوانین زمینی خود چنین بی باکانه محروم سازید ! و اگر سخن از

انسانی باشد که به جرم اندیشیدن از این مو هبت محروم گردد! وای براین عدالت  
زمینی شما!!!

مگر شما از یاد برده اید که با ماده هفتم قانون اساسی تان حمایه! و پشتیبانی! ارگ  
نشینان را از اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلان نمودید! آیا محتوای ماده نهم  
اعلامیه جهانی حقوق بشر یکبار از دیدگاه مبارک شما گذشته است!  
میدانید در آن ماده آمده است:

« هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد، و حق مذکور شامل آنست که از داشتن  
عقاید خود بیم و هراسی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و انتشار آن با  
تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد »

اگر شما توان اندیشیدن را داشته باشید از خود بپرسید که چرا در قانون اساسی تان  
در ماده سی و چهارم از مصون بودن آزادی بیان گفته اید! «...که هر افغان حق دارد  
فکر خود را به وسیله گفتار! نوشته! تصویر و وسایل دیگر!!! اظهار نماید...» مگر  
انجام ندادن مسولیت شما دولتمداران که در ماده بیست و چهار قانون اساسی تان  
مبنی بر مکلف بودن دولت بر حمایت از آزادی، کرامت انسانی شهروندان، موجودیت  
شما را زیر سوال نمیبرد! از دیدگاه شما مگر ضمانت زنده گی افغانها وظیفه دولت! «  
نیست! این چگونه دولتی است که حتا هیچ يك از مسولیت هایی را که خود برایش  
تعیین نموده انجام دهد. و توای روشنفکر آزاداندیش و خردگرا بدان که:

نجات دادن از این رنج تاریخی و مصیبت ملی وظیفه تمام روشندان جامعه ای ما  
است. نباید منتظر روزی باشیم که ساده ترین انسان میهن ما از روشنفکران خود  
پرسد که: در روزگاری که زادگاه ما در آتش افروخته شده به دست دکانداران سیه  
کار دین، می سوخت شما روشنفکران برای نجات آن چه کردید! به خود آیم و از  
خود بپرسیم که آیا نگفتن آنچه که باید گفت مصلحت است یا خیانت! بدبختانه بر  
مردم کشور ما یکباردیگر در آغاز سده بیست و یکم دولت ضد انسانی، مذهبی  
ارتجاعی تحمیل گردید، پیش از اینکه روشنفکران ما به شکلی از اشکالی در این گیر  
و دار نامیمون، ویرانگر و ضد انسانی بدهکار مادر وطن گردند، لازم است این بد  
نامی و ننگ تاریخی را با یاری همدیگر از دامان زادگاه شان پاک سازند. ونه گذارید تا  
این دروغگویانی فریبکار و جاهل که در رأس قوای سه گانه دولت قرار دارند، بیشتر

سایه جهل و تاریکی خود را بر میهن ما پهن کنند. بدون شك محاکمه!»! «کامبخش توجه جهانیانرا به وضع اندوه بار حقوق بشر در افغانستان جلب کرده است و در نتیجه پشتیبانی جهانی ، زیربنای چالش های ملی برای آزاد کردن افغانستان از بند جهل و تاریکی را استوار تر میسازد و امید و توان تازه ای برای چالش های هم میهنان ما بوجود خواهد آورد.  
به امید فردای بهتر!

26012008

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)